

هویت حرفه‌ای یا جنسیتی:

مطالعه‌ای بر دختران تحصیل کرده شاغل بالاتر از ۳۵ سال

در شهر تهران

دکتر سهیلا علیرضائزاد*

دکتر پروین سوادیان**

پوران‌دخت جعفری نمینی***

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱/۲۰

چکیده

امروز زنان بسیاری در مشاغل تخصصی مشغول به کارند. دسترسی به تحصیلات دانشگاهی و شغل ضمن فراهم آوردن فرصت فعالیت‌های تخصصی، می‌تواند موجب تاخیر در زمان ازدواج و ایفای نقش‌های سنتی زنان به مثابه مادر و همسر شود. این واقعیت دختران را در وضعیت هویتی ویژه‌ای قرار

soal802001@yahoo.com

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

*** دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

می‌دهد. سوال اینجاست دختر ایرانی شاغل و تحصیل کرده هویت خود را چگونه تعریف می‌کند؟ در این پژوهش سعی شده است تأثیرات عوامل ساختاری از جمله سه عامل تحصیلات عالی، اشتغال و ازدواج (عدم ازدواج یا به تأخیر افتادن سن ازدواج دختران) بر هویت اجتماعی زنان مورد مطالعه قرار گیرد. چارچوب نظری این تحقیق برگرفته از آرای ریچارد جنکینز و آنتونی گیدنز، و تا حدودی نظریه نمایشی گافمن، است. برای پاسخ به پرسش آغازین از روش ترکیبی استفاده شد. با توجه به یافته‌های این پژوهش دختر تحصیل کرده بالاتر از ۳۵ سال در عرصه عمل میان زندگی خصوصی و زندگی عمومی شکافی از تنش و تناقض می‌بیند. کسب استقلال و حفظ آن، انگیزه و هدفی بسیار مهم در کنش‌های اجتماعی آنان در داخل و خارج از خانه است. اما بیشتر آنان نتوانسته‌اند بین هویت حرفه‌ای و هویت جنسیتی خود یکی را برگزینند بلکه با وجود تضادهای موجود بین این دو هویت، آنان کماکان در تلاشند تا هر دو را در زندگی خود به طور هم زمان به دست آورند.

واژه‌های کلیدی: دختران مجرد، هویت حرفه‌ای، هویت جنسیتی

مقدمه

هم اکنون پدیده زن مجرد پدیده‌ای جهانی است. لیندا برگ^۱ و همکارانش در پژوهشی، پدیده جهانی دختران مجرد را در کشورهای گوناگون بررسی کردند. این پژوهش به جهانی بودن زن مجرد شاغل به مثابه نخستین پدیده جامعه شناختی جهانی در قرن بیست و یکم پرداخته و ریشه‌های اقتصادی این پدیده را بررسی می‌کند. وینتا شارما بایمر^۲ نیز پدیده زن تحصیل‌کرده را در هند بررسی و به شرایط هویتی زنان دانشگاه دیده و پیچیدگی‌ها و ویژگی‌های زندگی آنان می‌پردازد. پژوهش دیگری با عنوان "هویت زن تحصیل کرده در هند" نشان داد که عواملی مانند تمایل زن مجرد به

-
1. Linda Berg
 2. Vinath Sharma-Bymer

دارا بودن نگرشی مثبت به زندگی توأم با تمایلی هوشمندانه نسبت به مفهوم زندگی مستقل و شیوه‌های این نوع از زندگی، بر زندگی زن مجرد هندی اثر می‌گذارد.

احتمالاً با توجه به گذشت چند دهه از شروع فرآیند مدرنیزاسیون در ایران، پدیده زنان مجرد در ایران نیز قابل مشاهده است. شغل و دارا بودن تحصیلات دانشگاهی دو عنصر مدرن قابل دسترس برای زن ایرانی است که او را با مجموعه‌ای نو از فرصت‌ها، انتظارات و معانی روبرو کرده است. از این رو مجموعه‌ای از مناسبات دگرگون شده به او این امکان را می‌دهد تا هویت جدید خود را بیابد و استقلال را در زندگی خود تجربه کند.

فعالیت حرفه‌ای فراهم کننده موقعیتی مناسب برای کسب اختیار و استقلال است. اما دسترسی به تحصیلات دانشگاهی و شغل زمانی را به خود اختصاص می‌دهد، و نگرانی بالا رفتن سن ازدواج را برای آنان به ارمغان می‌آورد. تئوری مدرنیزاسیون ویلیام گود درباره سن ازدواج، حاکی از آن است که یکی از مهمترین عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج، افزایش میزان تحصیلات (به ویژه برای زنان) است (آستین فشان، ۱۳۸۱: ۲۲۸). ازدواج نکردن زمانی به یک هراس تبدیل می‌شود که دختر با این واقعیت روبرو می‌شود که باورهای جنسیتی جامعه، مادر و همسر بودن را مهمترین نقش زنان می‌شمرد. مطالعات نشان داده است که دسترسی زنان ایرانی به دو عنصر نوین تحصیلات دانشگاهی و اشتغال در خارج از خانه نتوانسته است از وزن عناصر سنتی خویشاوندی به طور جدی بکاهد (علیرضا نژاد و سرایی، ۱۳۸۶: ۲۴۷).

در دنیای مدرن هویت‌های اجتماعی در گذر زمان دگرگون می‌شوند. در فرایند رشد و نمو هویت مدرن، نه تمام آداب و سنن در یک زمان، بلکه آن‌هایی که متناسب با شرایط خاص تاریخی - اجتماعی بودند، ارتقا یافتند. شرایط جدید به روابط اجتماعی که در جامعه شکل می‌گیرد، ابعاد جدیدی بخشید. افزایش تحصیلات و میزان اشتغال در زندگی زنان سبب دشواری، در هماهنگ کردن نقش‌های سنتی با نقش‌های نو شد. آیا ممکن است این دشواری ایجاد تعادل بین نقش‌های جنسیتی و حرفه‌ای زنان مجرد

را به چالش بکشد؟ به عبارت دیگر، پرسش این است که دختر ایرانی شاغل و تحصیل کرده هویت خود را چگونه تعریف می‌کند؟

هویت در زمینه جهانی شدن

برای شناخت پدیده زن مجرد، لازم است که آن را ذیل پدیده جهانی شدن ببینیم. با توجه به نظرات رابرتسون، گوناگونی خود، وجهی از جهانی شدن است (رابرتسون، ۱۳۸۲: ۳۲). از نگاه گیدنز مدرنیته نوعی نظم پس از جامعه سنتی است، ولی نه آن چنان نظامی که در آن احساس امنیت و قطعیت ناشی از عادات و سنن جای خود را به یقین حاصل از دانش عقلایی سپرده باشد. گیدنز معتقد است ما وارد دوره‌ای شده‌ایم که در آن پیامدهای مدرنیزاسیون ریشه‌ای‌تر و جهانی‌تر از پیش شده‌اند. به زعم او در شرایط مدرن، موقعیت‌های محلی کاملاً زیر نفوذ و رخنه عوامل اجتماعی دور از خودشان در می‌آیند و به وسیله آن شکل می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۲۳). حتی انسان‌هایی که از هم دورند می‌توانند در شکل‌گیری یک پدیده اجتماعی در کنار هم قرار گیرند (همان: ۳۵). هویت مدرن، همچون هر هویت دیگری، برای رسیدن به انسجام، نیاز به یک ساحت نمادین دارد تا در سایه آن تنش‌ها و تضادهای موجودش، را پنهان کند و حسی از وحدت و یگانگی را به بیرون منتقل کند. هویت‌های اجتماعی، متغیر و سیال‌اند و در گذر زمان دگرگون می‌شوند. هم اکنون در جوامع گوناگون از جمله ایران، عناصر بسیار پیچیده مدرن در کنار عناصر عمیقاً سنتی دیده می‌شوند. دست یابی به دانش و تحصیلات، آگاهی افراد از جمله زنان را در پی داشت که منجر به پدید آمدن هویت‌های چندگانه، دگرگونی ارزش‌ها و شیوه‌های گوناگون زندگی شد. هویت شرط لازم زندگی اجتماعی است و سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است، همان طور که کالهن^۱ می‌نویسد ما هیچ مردم بی‌نامی نمی‌شناسیم. هویت فرایند معنا سازی بر اساس

1. Calhaun

یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع دیگر اولویت داده شده است، می‌باشد. نقش‌ها معنای خویش را از نهادها می‌گیرند ولی هویت از فرآیند فردیت خود فرد است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۲).

هویت فردی به ویژگی‌هایی اشاره دارد که فرد به عنوان یک شخص منحصر به فرد و متفاوت از دیگران، آن‌ها را به خود منتسب می‌کند. در هویت فردی، من در مقابل دیگران قرار می‌گیرد و تفاوت‌هایی که فرد با دیگران دارد، آشکار شده و باعث ایجاد احساسات و علائق خاصی در فرد می‌گردد. به عبارت دیگر هویت مقوله‌ای است که هم در سطح فرد می‌تواند مطرح باشد و هم در سطح اجتماع. هویت کم و بیش در نگرش‌ها و احساسات افراد نمود می‌یابد، ولی بستر شکل‌گیری آن زندگی جمعی است (گل محمدی، ۱۳۸۰: ۲۶).

جنکینز عقیده دارد که هویت دو بُعد درونی و بیرونی دارد. در بعد درونی فرد می‌کوشد تا با بسیج مهارت‌های درونی به ایفای هرچه بهتر نقش بپردازد؛ یعنی تصویر مطلوبی از خود ارائه کند. از سوی دیگر این تصویر باید از سوی مخاطبان یعنی عموم مردم به رسمیت شناخته شود. "عامل بیرونی آن تصویر عمومی از سوی دیگران است. آنان ممکن است آن را بپذیرند یا نپذیرند. هویت فردی در رابطه میان خود انگاره و تصویر عمومی آفریده می‌شود." (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۲۰) آن چه که از سوی جامعه برای افراد در نظر گرفته می‌شود، الزاماً با آنچه که ایشان، خود را با آن تعریف می‌کنند همسانی ندارد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵۹).

صاحب‌نظران کنش متقابل نمادین و جامعه‌شناسانی چون گیدنز معتقدند که هویت ساخته و پرداخته ظرف زمان و مکان است. بیشتر جامعه‌شناسان به نوعی گذر از هویت محلی به هویت گسترده‌تر اشاره کرده‌اند (توسلی و قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۲).

هویت اجتماعی

گسترش تحولات، مشخصه دنیای معاصر است. این تحولات ناگزیر تأثیراتی را بر ساختار هویت اجتماعی افراد گذاشته و سبب تغییرات هویتی در دنیای مدرن شده‌اند. گافمن معتقد است هویت در جریان کنش‌های اجتماعی زاده شده و به وجود می‌آید. او هویت اجتماعی را هویتی ساخته شده و آماده نمی‌داند، این هویتی است که در جریان کنش‌های اجتماعی به وجود آمده، پذیرفته و یا رد می‌شود. جامعه از خلال نقش‌هایی که افراد اجرا می‌کنند، هویت ایشان را رقم می‌زند و شکل می‌دهد. افراد برای اجرای هر چه بهتر نقش خود تلاش می‌کنند، تا هویت مورد نظر خود را تثبیت کرده و دیگران را وادار به پذیرش کنند. جامعه برای افراد نقش‌هایی را تعریف می‌کند که افراد باید در این نقش‌ها حاضر شده و به ایفای آن پردازند. به رسمیت نشناختن بازیگر از سوی مخاطبان در نقش مورد نظر، می‌تواند هویتی که فرد برای شناخته شدن به آن، تلاش می‌کند را زیر سوال ببرد. از اینرو افراد می‌کوشند تا با تلاش برای ایفای بهتر نقش خود از هویت خود-هویت‌هایی که مایلند به آن شناخته شوند یا با آن شناخته نشوند- دفاع کنند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۳۲). موقعیت زنان در یک جامعه پدرسالار از این دست است. در این جامعه تجربیات فردی زنان از خود و توانایی ایشان با تصویری که جامعه برای ایشان به عنوان زن رقم می‌زند، هماهنگ نیست. من فردی ایشان بزرگتر و تواناتر از منی است که باید در جامعه به نمایش بگذارد. در اینجاست که فرد دچار فاصله نقشی و بحران هویت می‌شود، زیرا نمی‌تواند خود را در تعاملات روزمره بازشناسی کند. گافمن درباره هویت‌های خدشه‌دار شده به داغ‌ننگ^۱ اشاره دارد که افراد در آن از دو نوع داغ‌رنج می‌برند؛ یکی داغ بی‌اعتباری و دیگری داغ احتمال بی‌اعتباری (Gafman, 1963: 52). شاید بتوان لفظ پیر دختر را در این مقوله جای داد زیرا که به گفته گافمن

1. stigma

داغ ننگ زمانی است که افراد به نوعی از قواعد و قوانین مرسوم رفتار در جامعه تخطی کرده‌اند و رفتارشان مطابق با کنش‌های مرسوم نبوده است.

هویت جنسیتی

اریکسون بر این باور است که کسب هویت روند بسیار پیچیده‌ای است که شامل دو رابطه مثبت و منفی (رابطه مثبت یا جذبی و رابطه منفی یا دفعی) است. آدمی بر پایه شباهت‌هایی که با برخی دارد، خود را در زمره آنان می‌داند و بر پایه تفاوت‌هایی که با بعضی دیگر دارد و خود را متمایز از آنها می‌شمارد، خود را مشخص می‌سازد و احساس هویت جنسیتی نیز تابع همین دو روند است (دانتری، ۱۳۷۷: ۵۴). "فروید" تعیین‌های مکرر را کلید احساس هویت می‌دانست، اما اریکسون تشخیص تفاوت را نیز بر آن افزود (همان: ۵۵). جنسیت به تجربه فرد سامان می‌دهد و آن را در خویشتن ادغام می‌کند. جنسیت آشکارترین وجه هویت فردی است که در تعامل با دیگران ساخته می‌شود و قطعاً هویتی جمعی نیز هست زیرا می‌توان بر اساس آن رده‌بندی کرد. «خود» تجربه خصوصی فرد از خودش است و شخص به چیزی که از فرد در جهان خارج به جلوه در می‌آید، اطلاق می‌شود. از این جمله می‌توان عناصری مثل نژاد، ویژگی‌های ظاهری و جنسیت را برشمرد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

هویت جنسیتی تقریباً همیشه با جنس بیولوژیکی در یک جهت قرار دارد، به گونه‌ای که در مردان بیولوژیکی، هویت جنسیتی مردانه و در زنان بیولوژیکی، هویت جنسیتی زنانه به وجود می‌آید (گولومبوک و فی وش، ۱۳۸۷: ۱۳-۲۰). جنسیت عبارت است از آن دسته نقش‌های اجتماعی که زیر پوشش تفاوت‌های زیست‌شناختی زن و مرد قرار گرفته و با اتکای به آن پذیرفته شده است. مثال معروف آن رابطه مادینگی-مادری است. فقط زنان می‌توانند بارآوری کنند اما زنان و مردان هر دو می‌توانند نگهداری از فرزندان را بر عهده گیرند؛ در حالی که عموماً با اتکای به انحصار توانایی

زایمان و تغذیه در جنس مادینه، پرورش کودکان هم نقشی مادرانه تعریف می‌شود که کار ویژه زن است (مردی‌ها، پاک نیا، ۱۶:۱۳۸۸). تعابیر رایج "پدرنان آور، مادر دلسوز، مرد کوچه، زن خانه" تفسیری جنسیتی از واقعیتی جنسی است که مبنای تعریف نقش‌های متفاوت برای زنان و مردان شده است (مردی‌ها و پاک نیا، ۴۲:۱۳۸۳). جنس امری بیولوژیک است اما جنسیت امری فرهنگی است. بنابراین تمایز میان جنس و جنسیت به چالش کشیده شده و جنسیت تفسیر متکثری از جنس قلمداد می‌شود (شجاعی، ۱۲:۱۳۸۶).

عناصر فرهنگی در یک جامعه سنتی، ازدواج را سرنوشت و سرچشمه رضایت خاطر زنان تلقی می‌کنند. ازدواج در این جوامع جنبه آرمانی دارد. در حالی که ازدواج برای مرد اعتبار، احترام و اطمینان به بار می‌آورد و اقتدار مردانه او را تثبیت می‌کند، زن با اتکای به اعتقاد و فرهنگ، برخورداری از مواهب زندگی زناشویی را قبول می‌کند ولی در کنار آن از استقلالی که در دوره دوشیزگی خود از آن برخوردار بوده، دست می‌شوید (نرسیسیانس، ۱۳۶:۱۳۸۳).

بررسی عوامل جامعه شناختی مؤثر در باز تعریف هویت اجتماعی زنان توسط باقر ساروخانی و مریم رفعت‌جاه نشان می‌دهد که زنان دارای سطح تحصیلات بالا در ارائه تعریف از زن سنتی، بر روی خانه‌دار بودن، فداکاری و از خود گذشتگی، فکر نکردن به خود، نشستن در کنج خانه، در خدمت دیگران بودن، نداشتن فکری از خود، تابع شوهر بودن، زیر سلطه و وابسته بودن، محدود شدن نقش‌ها به مادری و همسری، روزمرگی و نداشتن هویت اجتماعی مستقل، تأکید می‌کنند. ایشان در مقابل این دسته از زنان، زن مدرن را دارای ویژگی‌هایی از قبیل استقلال، نگاه غیرجنسیتی، تحصیلات، تأمل در مسائل زندگی، همکاری و مشارکت با همسر به جای اطاعت، اهمیت دادن به ظاهر خود و اهل مطالعه و ورزش بودن، می‌دانند (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۴:۱۳۸۳). پژوهش‌ها نشان می‌دهد زنان دارای تحصیلات دانشگاهی، اغلب زن ایده آل خود را همان زن مدرن دانسته و در معرفی خود از هویت‌های تحصیلی و شغلی استفاده

می‌کنند (باستانی، ۱۳۸۷: ۴۵). بدین ترتیب به نظر می‌رسد که زنان با توجه به هویتی انتخابی مواضع متفاوتی درباره ازدواج و روابط بین زن و شوهر دارند. ریچارد جنکینز و آنتونی گیدنز، با نظریه پردازی در مورد هویت شخصیتی و اجتماعی، تلاش کرده‌اند تا در تحلیل هویت، برشکاف میان فرد و جامعه و کنش و ساختار پل بزنند. بر طبق این رویکرد نظری «خود» یک هویت اجتماعی اولیه، بنیادی و الگویی برای فهم همه هویت‌های بعدی است. جنسیت در نحوه تشکل «خود» نقشی تعیین کننده دارد؛ زیرا به تجربه فرد سامان می‌بخشد و آن را در خویشتن ادغام می‌کند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۰۳). زمینه‌های ساختاری و فرهنگی نیز در شکل‌گیری و باز تعریف هویت‌های فردی و اجتماعی مؤثرند. از نظر گافمن هویت اجتماعی، هویتی است که در جریان کنش‌های اجتماعی زاده شده و به وجود می‌آید و جامعه از خلال نقش‌هایی که افراد اجرا می‌کنند به آن شکل می‌دهد. افراد در تلاش‌های خود برای اجرای هر چه بهتر نقش خود می‌کوشند تا هویت مورد نظر خود را تثبیت کرده و دیگران را وادار به پذیرش آن کنند.

نقش، مجموعه‌ای از بازی‌هایی است که کنشگران به صورت منظم و پیوسته به آن دست می‌زنند. شباهت، پیوستگی و استمرار بازی‌ها یا اجراهای تئاتری به آنها خصلت نقش می‌دهد. نقش دختر خانه یا دختر شاغل تحصیل کرده، چیزی جز اجراهای منظم و پیوسته‌ای نیست که به عنوان "نقش" باز شناسی می‌شوند. یک اجرای بد تنها به یک اجرای بد منتهی نمی‌شود بلکه می‌تواند به یک بحران هویتی منجر شود. به رسمیت نشناختن بازیگر از سوی مخاطبان در نقش مورد نظر، می‌تواند هویتی که فرد برای شناخته شدن به آن، تلاش می‌کند را زیر سؤال ببرد؛ از این رو افراد می‌کوشند تا با تلاش برای ایفای بهتر نقش خود از هویت خود - هویتی که مایلند به آن شناخته شوند یا مایلند با آن شناخته نشوند - دفاع کنند.

نهادها و سازمان‌های مدرن و رده‌بندی‌های پنهان در آنها نقش مؤثری در تحمیل هویت‌های بیرونی ایفا می‌کنند. اما افراد نیز در تعدیل این تاثیرات و مقاومت در برابر

عوامل ساختاری و فرهنگی و در بازسازی هویت‌های فردی و اجتماعی نقش فعالانه‌ای ایفا می‌کنند. اما همه مردم توان مقاومت در برابر رده‌بندی‌های تحمیلی را ندارند و میزان مقاومت آنها و نیز قابلیت بازاندیشی^۱ آنان درباره «خود»شان به سرمایه و منابع مادی و فرهنگی‌شان وابسته است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲۸۹). به علاوه، زمینه‌های ساختاری و فرهنگی در شکل‌گیری و باز تعریف هویت‌های فردی و اجتماعی مؤثرند.

ساختار اجتماعی و فرهنگی همه جوامع انسانی به شدت متأثر از تفاوت‌های جنسیتی است که غالباً علمی یا طبیعی نمایانده می‌شوند؛ اما در واقع برساخته اجتماع‌اند و به ویژه متأثر از تصورات قالبی و ایدئولوژی‌های جنسیتی هستند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲۷۴). در نتیجه، در ساختار نهادهای اجتماعی به ویژه خانواده و نهادهای شغلی و آموزشی، توزیع نقش‌ها و منزلت‌ها مبتنی بر رده‌بندی‌ها و تقسیم کار جنسیتی است. در جوامع سنتی، نقش‌های زنان عمدتاً محدود به خانواده است و محور اصلی هویت آنها را تشکیل می‌دهد. در جوامع مدرن به ویژه شهرهای بزرگ، در پی تحولات ساختاری و ضرورت‌های اقتصادی، زنان فرصت بیشتری برای مشارکت در عرصه عمومی دارند. در نتیجه روابط اجتماعی آنان وسیع‌تر و منابع هویت‌سازی آنها متعدد و متکثر می‌شود؛ و به منابع فرهنگی (ارزش‌ها و نگرش‌ها) و منابع مادی (درآمد، دارایی و استقلال مادی) بیشتری دسترسی می‌یابند. از این پس آنان هم در مورد «خود» و هویت شخصی خود و هم در مورد هویت‌های اجتماعی سنتی و مدرن تأمل و چون و چرا می‌کنند. با توجه به نظریات مطرح شده می‌توان انتظار داشت که دختران مجرد و تحصیل کرده حرفه‌ای با وجود دسترسی به عناصر مدرن به دلیل محقق نکردن انتظارات سنتی از نقش از قبیل همسری و مادری، دچار داغ‌ننگ و بحران هویت خواهند بود.

1. rethink

تعریف مفاهیم

هویت^۱ در فرهنگ فارسی عمید "حقیقت شی یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد"، معنی شده است. از این رو هویت هر پدیده‌ای، بیانگر ماهیت وجودی آن است. این مفهوم به ویژگی یکتایی، فردیت و تفاوت‌های اساسی‌ای که یک شخص را از همه افراد دیگر متمایز می‌کند، توجه می‌دهد. کراجر^۲ هویت را عبارت از برقراری «توازن میان خود و دیگران» می‌داند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۸۰). برخی آن را معادل شخصیت و اصلیت آورده‌اند (شرفی، ۱۳۸۰: ۸۱).

هویت شخصی به تعریف بازاندیشانه فرد از «خود» اطلاق می‌شود. هویتی که برای بازنمایی «خود» مورد استفاده قرار می‌گیرد با تجربیات، ارزش‌ها، نگرش‌ها، انتظارات، اهداف، نیازهای جاری و دانش پس‌زمینه‌ای فرد ارتباط دارد. «خود»ی که در موقعیت‌های واقعی نمود می‌یابد، سیال و تغییرپذیر است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

هویت اجتماعی^۳ عبارت است از تعریفی که فرد از خود براساس عضویت در رده‌ها و گروه‌های گوناگون اجتماعی می‌کند. هویت اجتماعی مسلط همان است که ارزش و اهمیت بیشتری برای فرد دارد و غالب اوقات فرد خود را با آن تعریف می‌کند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲۶۰).

تعارض هویت^۴ نشان از سردرگمی و آشفتگی نقش‌ها دارد. اریکسون این وضعیت را «آشفتگی هویت» می‌نامد. فرد در مرحله شکل‌گیری هویت بیش از هر زمانی ممکن است از آشفتگی هویتی رنج ببرد. او همچنین ممکن است احساس کند که باید تصمیم‌های مهمی بگیرد، اما قادر به انجام دادن این کار نیست. احساس می‌کند که جامعه به او فشار می‌آورد تا تصمیمی بگیرد، اما او مقاومت می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۸۱).

1. identity

2. Krojer

3 . Social identity

4. Identity Confusion

در جهان امروز هویت حرفه‌ای یا شغلی بخش مهمی از مجموعه هویت غالب افراد، اعم از پیر و جوان را شکل می‌دهد. داشتن شغلی که ارزش اجتماعی داشته باشد - و به خوبی از عهده آن برآمدن - عزت نفس را زیاد می‌کند و به ایجاد احساس ایمنی و هویت با ثبات کمک می‌کند. برعکس، اگر به افراد نیازی نبوده و اشتغال امکانپذیر نباشد، در افراد احساس تردید و سرخوردگی ایجاد می‌شود (اریکسون، ۱۹۶۰).

"وداک" هویت جنسی را تعریفی می‌داند که هر نسل از زنان و مردان از جنسیت خود ارائه می‌دهند. مطابق این دیدگاه، جنسیت نظامی زیستی نیست که توسط جبر رقم خورده است؛ بلکه جنسیت نظامی از ایدئولوژی‌ها، رفتارها و هویت‌های متعاملی است که به جسم معنایی اجتماعی - سیاسی می‌بخشد.

زن سنتی و زن مدرن مفاهیم دیگری هستند که باید تکلیف خود را با آن روشن کنیم. با توجه به آن که حرفه‌ای بودن پدیده‌ای نوین است، حکایت از شرایط مدرن در زندگی زن دارد. مفهوم زن سنتی در مقابل مفهوم زن مدرن، حکایت از هویت زن، پیش از حرفه‌ای شدن دارد. زن سنتی دارای مجموعه ویژگی‌هایی از قبیل آمادگی برای ازدواج یا متأهل بودن، خانه دار بودن، مستقر بودن در خانه، در خدمت خانواده بودن، نقش‌های مادری و همسری و نداشتن هویت اجتماعی مستقل، است. از نظر علی شریعتی، زن سنتی ایرانی در انجام وظایف خانگی و مادری، مبنای ارزش انسانی خود را باز می‌یابد (شریعتی، ۱۳۶۰: ۸۰). زن مدرن مفهومی است که در غرب و با اتکا به پیشینه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این جامعه متولد شده است (علیرضائزاد، ۱۳۸۳: ۹۲). زن مدرن دارای ویژگی‌هایی از قبیل استقلال، تحصیلات، اعتقاد به همفکری و مشارکت در امور به جای اطاعت است (زنجانی زاده، ۱۳۸۱: ۱۳).

روش شناسی

تغییرات سریع اجتماعی و تنوع زیست جهان‌ها به شکل روز افزونی محققان اجتماعی را با زمینه‌های اجتماعی و دیدگاه‌های جدیدی مواجه می‌کند و همپای آن پژوهش اجتماعی به شکل فزاینده‌ای وادار به استفاده از استراتژی‌های نوین شده است (فلیک، ۱۳۷۸: ۱۳). انتخاب روش، همواره با ماهیت موضوع پژوهش و چارچوب نظری مسلط در آن مربوط است. زن ایرانی همواره گوشه پنهان جامعه بوده، از اینرو دسترسی به اطلاعات درست به ویژه درباره چالش‌های موجود در زندگی زنان مجرد، آسان نیست. با توجه به این ویژگی روش ترکیبی^۱ به مثابه یک استراتژی طراحی و با استفاده از رویکرد دو مرحله‌ای، یک مرحله کیفی از پژوهش و سپس مرحله جداگانه کمی (علیرضائزاد، ۱۳۸۳: ۶۷) اجرا شد. با توجه به ماهیت و پیچیدگی موضوع، در این پژوهش روش ترکیبی (ترکیبی از روش کیفی و پیمایش) برگزیده شد.

ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی، مصاحبه نیمه ساخت یافته بود. یادداشت‌های مصاحبه‌کننده در هنگام گفتگو و نیز مشاهده واکنش‌های افراد در هنگام مصاحبه، به مجموعه داده‌ها افزوده شد. مصاحبه‌ها با توجه به خاطرات و سیر زندگی فرد انجام و تلاش شد به مصاحبه شونده‌گان این امکان داده شود تا باورها، رفتارها، خاطرات و طرز تلقی‌های خود را بیان کنند. پرسشنامه ابزار گردآوری اطلاعات در بخش پیمایش بود.

برای افزایش صحت اطلاعات، انتخاب افراد برای مصاحبه در بخش کیفی بر اساس نمونه‌گیری گلوله برفی و تئوریک انجام شد. سعی شد با افرادی مصاحبه شود که در موقعیت‌های گوناگون خانوادگی و تجربه زیسته باشند. در نهایت ۱۶ مصاحبه انجام شد.

1. Mixed Method

جامعه آماری در این پژوهش شامل دختران ۱۳۵ سال و بالاتر شاغل و دارای تحصیلات دانشگاهی ساکن تهران بود. جمعیت نمونه - شامل ۱۲۱ زن دارای تحصیلات دانشگاهی و شاغل هرگز ازدواج نکرده - دارای سطوح متفاوتی از تحصیلات دانشگاهی بود. رشته تحصیلی آنان طیف گسترده‌ای از رشته‌های تحصیلی را در بر می‌گرفت. آنان همچنین در رده‌ها و رشته‌های شغلی متفاوت کار می‌کردند.

هویت حرفه‌ای یا هویت جنسیتی

گیدنز معتقد است که "خود" انسان در کنش متقابل با دیگران، هویتش را ایجاد و در جریان زندگی آن را پیوسته تغییر می‌دهد. خود مفهومی منفعل نیست بلکه به وسیله فرد ایجاد می‌شود. سرنوشتی که جامعه سنتی به زن عرضه می‌کند، همسری و مادری است. به رسمیت شناخته نشدن دختران شاغل و تحصیلکرده از سوی مخاطبان در نقش مورد نظر، می‌تواند هویتی که ایشان برای شناخته شدن به آن تلاش می‌کنند را زیر سوال ببرد. در این مورد فرد هویتی که خود را با آن تعریف می‌کند، هویتی نیست که جامعه وی را با آن تعریف می‌کند (لطف آبادی، ۱۳۸۱: ۱۲۹)؛ زیرا خود را در زندگی روزمره نمی‌تواند بازشناسی کند. گافمن می‌گوید: همه ایشان به نوعی از قواعد و قوانین مرسوم رفتار در جامعه تخطی کرده و رفتارشان مطابق با کنش‌های مرسوم اجتماع نیست (Gafman, 1963: 47). در این پژوهش، مواردی دیده شد که برخی از دختران می‌گویند "جز در شرایطی که مجبورند، تجرد خود را آشکار نمی‌کنند." احتمالاً پنهان کردن تجرد می‌تواند این معنی را داشته باشد که فرد داغ ننگ تجرد را که از فشارهای اجتماعی منشا گرفته، احساس کرده است.

۱. در مطالعات اکتشافی (مصاحبه‌های اکتشافی) در دختران زیر ۳۵ سال احساس بدون خواستگار و مورد توجه نبودن دیده نشد. آنان با راحتی بیشتری سن خود را اعلام می‌کردند.

دختر خانه، خانم خانه، استقلال و تحقق خود

برای بازشناسی هر چه بهتر چالش هویتی در نزد زنان تحصیل کرده مجرد و شاغل، لازم است با برخی مفاهیم که از مصاحبه‌ها به دست آمده و در پرسشنامه‌ها نیز تایید شده، بیشتر آشنا شویم. یکی از مهمترین این مفاهیم، مفهوم دخترخانه است که معادل انگلیسی آن می‌تواند واژه maidenhood باشد. دختر خانه نقش‌ها و وظایفی دارد که لازم است آن‌ها را به اجرا در آورد. نکته مهم آن است که او حقوقی دارد و خدماتی در خانواده به او عرضه می‌شود. این خدمات از این باور ریشه می‌گیرد که او آسیب پذیر است و از این رو نیاز به حمایت دارد. او در حریم خانه و تحت حمایت خانواده تا زمان ازدواج محفوظ است و خانواده بر این باور است که این حریم می‌تواند موجب جلب خواستگاران خوب شود. دختر خانه، در خانه پدری و همراه با پدر و مادر و یا یکی از آن‌ها زندگی می‌کند. دختر خانه می‌تواند ۱۸ ساله یا بالای ۵۰ سال باشد. او مادامی که در خانه پدری بسر می‌برد، تابع قوانین خانه پدری است. این قوانین معمولاً توسط پدر یا برادران تعریف می‌شود.

خانم خانه مفهوم دیگری است که معادل انگلیسی آن house wife است. خانم خانه زنی همسر دار است. او می‌تواند در فضای خانه خود و همسرش درباره امور جاری تصمیم بگیرد. بدین ترتیب بخشی از توانایی‌ها و خواسته‌های او در این عرصه به ظهور می‌رسد و در او احساس رضایت ایجاد می‌کند (یا دست کم این تصور وجود دارد که موجب رضایت او می‌شود). انتظار نقش از دختران خانه آن است که در مدت زمانی مناسب به خانم خانه تبدیل شوند. در این شرایط دختران جوان موفق تلقی می‌شوند.

بخشی از هویت زن خانه به عملکرد زنان در خانه از قبیل سفره آرای، آراستگی خانه و غیره مربوط است. مصاحبه‌ها نشانگر آن است که بیشتر دختران مایلند، خانه خود را داشته باشند تا بتوانند آن را مطابق سلیقه خود اداره کنند، اما به دلایل متعدد از

جمله ترس از تنهایی، مقاومت خانواده، ترس از حرف مردم و ترس از دست دادن حمایت‌های خانواده، از انجام آن اجتناب می‌کنند. داشتن حرفه این امکان را فراهم می‌کند که بتوانند فضای خاص خود را در اختیار داشته باشند، اما موقعیت سنتی اجازه نمی‌دهد که دختر خانه بودن را ترک کنند. دختر ۴۱ ساله‌ای که با پدر و مادرش زندگی می‌کند و خانه خود را هم اجاره داده است، در این باره می‌گوید: "راستش را بخواهید هم دلم می‌خواهد که تنها زندگی کنم هم دلم نمی‌خواهد. دلم می‌خواهد خانه خودم را داشته باشم تا بتوانم سلیقه خودم را تو خانه‌ام بینم ... الان ... سلیقه مامانم است... اما وقتی فکر می‌کنم، حتی به فرض محال مادرم هم اجازه بدهد، من تنها زندگی کنم، نمی‌توانم این کار را انجام دهم! ... ترس از تنهایی دارم. فکر می‌کنم... این طوری احترام و امنیت بیشتر حفظ می‌شود." نداشتن احترام و امنیت می‌تواند داغ ننگ را در زندگی او وارد نماید.

استقلال برای دختر خانه

دختر خانه در حریم خانه پدری و زیر حمایت خانواده تا زمان ازدواج محفوظ است. به عنوان مثال با وجود بالا رفتن سن و مسئولیت‌های اجتماعی، هنوز برادرش او را وقتی هوا تاریک است به مقصد می‌رساند. یا مادر مراقب آمد و شد او است و ساعات خروج و ورود او را کنترل می‌کند. در عین حال او وقتی به خانه می‌رسد غذایش آماده و از مسئولیت‌های خانه داری معاف است. او از حقوق و حمایت‌هایی برخوردار است اما در مقابل باید وظایف و نقش‌های دختر خانه را نیز رعایت کند. دیر به خانه نیاید و برنامه‌های زندگی خود را با قوانین خانواده همسو کند. در واقع پدر، مادر، خواهر و برادر می‌توانند برای بسیاری از مسائل مربوط به دختر خانه از قبیل سفر، ساعت رفت و آمد، حضور در مهمانی‌ها و غیره؛ تصمیم‌گیری کنند. نکته مهم آن است که این دختران در خارج از خانه تصمیم‌گیر هستند. آن‌ها موقعیت‌هایی مثل مدیر، کارشناس، پزشک،

و مسئول دارند، اما در خانواده هویت حرفه‌ای آن‌ها چندان مطرح نیست. هریک از آن‌ها از نظر خانواده، دخترخانه هستند. لیسانس حقوق است ۵۱ سال دارد و با والدین خود زندگی می‌کند. او می‌گوید: "مادر و برادرانم خیلی کمک من هستند. من حتی غذایی که می‌آورم اداره را مادرم آماده می‌کند". دختری که ۴۱ سال دارد، می‌گوید "من هنوز مامانم می‌گویم شب‌ها دیرتر از ۹ شب به خانه نیا. اگر همسایه‌ها صدای پایت را بشنوند چه می‌گویند؟ یا وقتی خسته به خانه می‌آیم نمی‌توانم تنها در اتاق خودم باشم، باید با مادرم تلویزیون تماشا کنم... اگر یک آخر هفته بخواهم سفر بروم، اگر قرار باشد برادرم بیاید دیدن ما، باید سفرم را کنسل کنم، چون برادرم می‌گوید دختر تنها کجا رفته است؟... " دختری که ۴۲ ساله و معاون اداره است می‌گوید "به مادرم گفتم در فامیل ما اگر کسی ازدواج نکند اصلاً آدم نیست، برای این که نمی‌تواند برای خودش تصمیم بگیرد. من حتی یک... جمعه را نمی‌توانم برای خودم برنامه ریزی کنم".

بیش از ۳۰ درصد دختران مورد مطالعه در این پژوهش در خلال تکمیل پرسشنامه‌ها گفته‌اند که بیشترین احساس رضایت را از طریق گذراندن وقت با دوستان خود به دست می‌آورند. بیست و پنج درصد نیز با بودن در محل کار احساس رضایت می‌کردند. اما ۴۴ درصد از پاسخگویان عملاً اوقات فراغت را با خانواده می‌گذراندند. بیش از ۳۵ درصد علت آن را اعتماد به آنها و نیز این که چاره‌ای ندارند، ذکر کرده‌اند. این داده نشانگر آن است که دختران بخش بزرگی از وقت خارج از محیط کار را نه به نحوی مطلوب می‌گذرانند. پرستار است ۴۶ سال دارد و می‌گوید "چون دختر خانه هستم به عنوان یک آدم مستقل مطرح نیستم. خواهرم معتقد است چون او بچه دارد و من مجردم باید تمام وقت در اختیار خانواده باشم. " دختر دیگری که ۴۱ سال دارد می‌گوید "برخی از دوستانم خیلی با مادرشون... درگیر می‌شوند... من قبول کردم که باید تابع قوانین خانه پدر و مادرم باشم. " دختران مورد پرسش در این پژوهش بر این باورند که توانایی حل مشکلات و اداره زندگی خود را دارند، اما در خانه پدری او نیست که درباره امور روزمره زندگی مثل انتخاب لوازم منزل، ناهار و غیره تصمیم

می‌گیرد، چون خانم خانه زن دیگری است. پس او اگر بخواهد که طبق قوانین خود زندگی کند، خانه ای می‌خواهد که فضای تصمیم‌گیری او باشد. اما برای خانواده، جدایی از خانه با ازدواج مترادف است. نگاهی به آمار توصیفی پاسخگویان در بخش کمی نیز درباره زندگی مستقل و جدا از خانواده نشان می‌دهد که ۴۴ درصد تمایل به زندگی مستقل داشتند. حدود ۵۸ درصد معتقد بودند که برای مستقل بودن با موانعی روبرو هستند.

جدول ۱- توزیع نسبی پاسخگویان^۱ بر حسب مشکلات و موانع زندگی مستقل

موانع زندگی مستقل	فراوانی	درصد
خانواده	۲۷	۹.۴۲
فامیل	۳	۱.۴
جامعه	۲۲	۹.۳۴
مسائل اقتصادی	۶	۱۰
ترس از تنهایی	۵	۸
جمع	۶۳	۱۰۰

جدول ۱ نشان می‌دهد که خانواده و جامعه مهمترین عناصر تاثیرگذار بر باقی ماندن آن‌ها با خانواده هستند. در هماهنگی با این داده، یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که می‌توان موقعیت دختران خانه را درباره مستقل شدن به سه دسته تقسیم کرد. این دسته بندی نشان از اهمیت نقش خانواده و جامعه درباره استقلال یا عدم استقلال این دختران دارد.

۱- دختران شهرستانی: این دختران پس از پایان تحصیلات و شروع اشتغال، در تهران اقامت می‌کنند. آنان نقش‌ها و وظایف دختر خانه بودن را به دلیل هویت حرفه‌ای

۱- دو تن از پاسخگویان بیش از یک گزینه را انتخاب کردند.

و فاصله مکانی با خانواده پدری، آسان تر کنار می‌گذارند. نزدیک به ۴۰ درصد دخترانی که برای زندگی جدای از خانواده دچار مشکل نبودند، پس از قبولی در دانشگاه به تهران آمده و در تهران زندگی می‌کردند. دختر ۳۶ ساله‌ای می‌گوید: "من در یک خانواده سنتی در شهرستان بزرگ شدم. از ۱۸ سالگی بعد از قبولی در دانشگاه جدا از خانواده زندگی کردم... وقتی در تهران کار گرفتم... توانستم این استقلال را بدست آورم." دختر دیگری که ۴۱ سال دارد می‌گوید: "بعد از قبولی در دانشگاه از خانواده جدا شدم... بعد از این که کار گرفتم خودم مستقل زندگی می‌کنم."

۲- دخترانی که خانواده مانع جدا شدن آنها می‌شوند و یا خودترس از جدایی دارند: جدا شدن از خانواده و تنها زندگی کردن دختر، برای برخی از خانواده‌ها به منزله ازدست دادن فرصت ازدواج است. این دسته از دختران با وجود افزایش سن، و اشتغال، باید طبق اصول و قواعد حاکم بر دختر خانه عمل کنند. ۴۲ سال دارد و می‌گوید "خیلی دلم می‌خواهد تنها زندگی کنم اما به خاطر... خانواده ام سخت است. جدا شدن از خانواده ما زمانی معنا دارد که ازدواج کنم. مامانم همیشه می‌گوید اگر تو تنها زندگی کنی... دیگر کسی به خواستگاریت نمی‌آید."

۳- دختری که از خانواده جدا می‌شود: اینان افرادی هستند که با توجه به هویت حرفه‌ای، امکان زندگی به مثابه یک زن خانه را برای خود فراهم می‌کنند. در موقعیت سنتی، همیشه شوهر است که امکان استقلال و جدایی از خانه پدری را فراهم می‌کند، اما اشتغال و هویت حرفه‌ای هم این امکان را برای دختران فراهم کرده است. پزشک است. ۴۵ سال دارد و می‌گوید: "... در حد انجام وظایفم و اخلاقیات به والدینم سر می‌زنم... من مستقل زندگی کردم. از زمانی که مجبور شدم طرحم را در شهرستان بگذرانم، این استقلال را بدست آوردم." یافته‌های پیمایش نیز نشان می‌دهد که بیش از ۷۲ درصد دختران مورد مطالعه معتقدند که شاغل بودن، امکان زندگی مطابق سلیقه خود را برای آنان فراهم کرده است. اما نکته مهم آن است که اغلب آنان، چالش بین خواسته‌های خود و خانواده را در مدت زمانی طولانی با خود حمل می‌کنند.

جدول ۲- کارکرد هویت حرفه‌ای برای دختران خانه

شغلم باعث شده دستم در جیبم باشد	بعد از این که مشغول به کار شدم احساس استقلال بیشتری کردم	شغلم باعث شد به شیوه‌ای که دوست دارم زندگی کنم
بدون این که ازدواج کنم هم می‌توانم زندگی راحتی داشته باشم	از این که می‌توانم با درآمد خانوادهم را سفر ببرم و برای آنها خرج کنم لذت می‌برم	وقتی کار می‌کنم نسبت به خودم احساس خوبی دارم
شغلم باعث شد بتوانم آموخته‌هایم را افزایش بدهم	می‌دانم در محیط کارم مفید هستم	شغلم به اندازه کافی به من احساس رضایت می‌دهد

ازدواج و چالش هویت جنسیتی و حرفه‌ای

برای بسیاری از دختران، در بایستگی ازدواج شکی نیست، از این رو با وجود موقعیت اجتماعی و سن، بسیاری از آنان تصمیم‌های مهمی مانند: خرید خانه و یا مستقل شدن را با توجه به امکان دسترسی به فرصت ازدواج، به تاخیر می‌اندازند و یا از آن اجتناب می‌کنند. اما آیا این زنان اصلاً فرصتی برای ازدواج دارند؟ یا موقعیت و سن آنان مانع فرصت ازدواج است؟ با توجه به مصاحبه‌های انجام شده، مردانی که با پیشنهاد ازدواج و یا ارتباط به این دختران مراجعه می‌کنند، در پنج گروه قابل دسته بندی هستند:

دسته اول- مردان مجرد با موقعیت سنی، تحصیلات و شغل قابل قبول

(متناسب با ارزش‌های سنتی ازدواج)

به باور مصاحبه شونده‌گان مردان مجردی که از موقعیت سنی، تحصیلات و یا شغلی مشابه و یا بالاتر از این دختران برخوردارند، معمولاً با هدف ازدواج به آنان نزدیک نمی‌شوند. دختران گله می‌کنند که این مردان در مواجهه با آنان، خود را ملزم به اجرای آداب لازمه نمی‌دانند. عدم اجرای این آداب منجر به آن می‌شود که دختران

هویت زنانه خود را در مخاطره ببینند. با افزایش سن این مشکل بیش از پیش خودنمایی می‌کند. دختری لیسانسیه و ۴۱ ساله، می‌گوید: "وقتی سنت بالا می‌رود مردها به خودشان اجازه می‌دهند که هر درخواستی را مطرح کنند... "دیگری که وکیل و ۵۱ ساله است، می‌گوید: "رفتار مردها با دخترانی که سن بالا دارند توهین آمیز است... " ۴۴ ساله، لیسانس مدیریت بازرگانی و کارمند است و می‌گوید: "مردها نگاهشان روی دختر سن بالا و مجرد متفاوت است و این کلاً من را اذیت می‌کند... " دختری دیگری که ۴۴ ساله و مددکار اجتماعی است، می‌گوید: "... من تا مجبور نباشم نمی‌گویم مجردم. " ۴۱ ساله و کارمند است. او می‌گوید: "تو محیط کارم عبوس هستم همیشه خودم را محدود می‌کنم ... اونا (مردان) فکر می‌کنند چون سنم بالا است می‌توانند پاشون رو از گلیم‌شون درازتر کنند. " دختری ۴۰ ساله می‌گوید: "ارتباط با مردان برایم سخت است ... مردها هر روز از آداب معاشرت دورتر می‌شوند... " داغ ناشی از ناکارآمدی در هویت جنسیتی در این مورد بسیار خود را به نمایش می‌گذارد.

دسته دوم- مردان همسر دار

ارتباط با مردان همسر دار، بدان دلیل که معمولاً پیشنهاد عقد دائم را به همراه ندارد؛ احساس به دست آوردن یک رابطه پایدار را در پی ندارد. اما مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که این مردان به هویت زنانه دختران بیشتر توجه می‌کنند.

دسته سوم - مردان تنها

در این شرایط مردان مجردی جای می‌گیرند که احتمالاً از نظر جسمی بیمارند و یا مادر خود را ازدست داده‌اند. به زعم پاسخگویان این مردان به دنبال محبت و توجه هستند و نمی‌توانند یا نمی‌خواهند آداب لازمه را اجرا کنند. دختران احساس می‌کنند که به عنوان یک پرستار بدانان نگرسته می‌شود. در این حالت هویت حرفه‌ای زنان به آنان این قدرت را می‌دهد که در مقابل این گونه ازدواج‌ها مقاومت کنند. دختری که ۴۱ ساله و معاون شعبه بانک است، می‌گوید: "مردهای دور ور ما یا ... یا این که دیگر از

پس کارهای خود برنمی‌آیند و دنبال کسی هستند که از آنها پرستاری کند، خوب آنها بروند پرستار بگیرند."

دسته چهارم - مردان جوانتر

اینان مردان جوانی هستند که فاقد حرفه مناسب هستند و پول و خانه ندارند. این مردان معمولاً می‌خواهند با ازدواج با زن‌هایی که ثبات حرفه‌ای دارند، به ثبات برسند. در اینجا بیشتر هویت حرفه‌ای زن است که مورد توجه مرد قرار می‌گیرد. عجیب آن است که زن‌ها این مردان را دوست ندارند زیرا به دلیل پول و موفقیت به سمت آنها آمده‌اند. نقطه عجیب تر آن است که در این جا تا حدی جای زن و مرد عوض می‌شود؛ اما این دختران معمولاً حاضر به قبول این شرایط نیستند. یا دست کم با احساس رضایت آن را نمی‌پذیرند.

دختری ۴۶ ساله که خانه، اتومبیل و کار دولتی دارد، می‌گوید: "چند وقت پیش موردی پیدا شد که به توصیه و فشار دوستانم کمی جدی بهش فکر کردم. از من کوچکتر بود و در یک شرکت خصوصی کار می‌کرد، اما از خودش چیزی نداشت. خیلی زود تصمیم نهایی رو گرفتم سری که درد نمی‌کنه دستمال نمی‌بندم". دختری ۳۶ ساله می‌گوید: "من دلم می‌خواهد آدمی در زندگیم وارد شود که لازم نباشد من او را حمایت کنم. من می‌خواهم بهترین باشم...".

دسته پنجم - مردان همسر از دست داده (طلاق - فوت زن)

مردانی که همسر خود را از دست داده‌اند، نسبت به همسر طلاق داده‌ها از مقبولیت بیشتری برخوردارند. اما دختران معمولاً به این تیپ نیز علاقه ندارند چون بر این باورند که این مردها نیز زن را برای پرستاری می‌خواهند و با توجه به هویت حرفه‌ای و استقلال مالی، دختران تن به این گونه ازدواج‌ها هم نمی‌دهند. یافته‌های حاصل از پرسشنامه نیز نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد دختران مورد مطالعه حاضر نیستند با مردی که قبلاً ازدواج کرده، ازدواج کنند.

اما شایان توجه است که ازدواج کماکان به عنوان امری بایسته برای دختران مطرح است. تنها ۱۰ درصد از دختران مورد مطالعه گفته‌اند، تصمیم به ازدواج ندارند. بیش از ۱۰ درصد آنان زمان ازدواج را از دست رفته می‌دانند و ۱۱/۷ درصد نیز معتقدند که ایده آل خود را نمی‌یابند.

جدول ۳- جدول تقاطعی درصد میزان احساس نیاز به همدم با سن

گروه سنی	۳۰-۳۴	۳۵-۳۹	۴۰-۴۴	۴۵-۴۹	+۵۰	جمع
می‌خواهم ازدواج کنم چون به همدم نیاز دارم	کاملاً موافق	موافق	مخالف	کاملاً مخالف	جمع	
	۳۴,۴۸٪	۲۶,۶۱٪	۱۷,۷۴٪	۴,۳۵٪	۰	۱۲,۱۸٪
	۱۳,۰۴٪	۱۹,۱۳٪	۱۷,۳۹٪	۵,۲۲٪	۱,۷۴٪	۵۶,۵۲٪
	۷,۸۳٪	۴,۳۵٪	۶,۰۹٪	۴,۳۵٪	۴,۳۵٪	۲۶,۹۵٪
	۰,۸۷٪	۰,۸۷٪	۰,۸۷٪	۰,۸۷٪	۰,۸۷٪	۴,۳۵٪
	۲۵,۲۱٪	۲۶,۹۵٪	۲۶,۰۹٪	۱۴,۷۹٪	۶,۹۶٪	۱۰۰٪

این پاسخ‌ها نشانگر آن است که این دخترها ازدواج را می‌خواهند زیرا ازدواج رابطه‌ای پایدار است. دوستی با مردان شاید بخشی از نیازهای دختران را تامین کند، اما دوستی با مردان ثبات در رابطه نیست و ترس از دست دادن همیشه همراه آنان است. دختری ۴۱ ساله می‌گوید "وقتی با دوستم هستم خیلی احساس خوبی دارم... اما ترس از دست دادن همیشه با من است. از این که به مامانم دائم باید دروغ بگویم ناراحتم..."

ازدواج از نظر این دختران باید بتواند پاسخگوی فشار هویتی که در خانواده و اجتماع تحمل کرده‌اند، باشد. حضور همسر باید بتواند به تمام کسانی که هویت زنانه او را زیر سوال برده‌اند، پاسخ دهد. در واقع این مرد باید کارکرد اجتماعی داشته باشد.

این مرد کامل، باید با فشارهایی که دختر از ۱۸ سالگی تحمل کرده، برابری کند و مسلماً پیدا کردن مردی با این شرایط بسیار سخت و حتی ناممکن است.

دختر خانه و مواهب هویت حرفه‌ای

هویت حرفه‌ای در اثر اشتغال، کسب درآمد، قدرت تصمیم‌گیری و حس مفید بودن شکل می‌گیرد. یافته‌ها نشانگر آن است که با افزایش فعالیت‌های اجتماعی دختران ایرانی در بیرون از خانه، که در مفهوم اشتغال بررسی شد؛ آنها نه تنها در آمد کسب می‌کنند، بلکه با گسترش روابط اجتماعی و آشنایی بادنای بیرون از خانه، صاحب هویت جدیدی می‌شوند. "رویارویی با چالش‌های هویتی و در نتیجه تامل درباره هویت، تنها برای کسانی امکان‌پذیر است که منابع فرهنگی و مادی بیشتری در اختیار داشته باشند" (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۲۰). این مهم را دختران مورد مطالعه در این تحقیق درک کرده و از این بابت احساس رضایت می‌کنند. بیشتر آنها معتقدند، بودن در محل کار منجر به ایجاد ارتباطات اجتماعی خوب برای آنان شده و این ارتباطات در زمینه‌های گوناگون زندگی، بدانان یاری رسانده است. دختر ۴۶ ساله‌ای می‌گوید: "بعد از این که در بانک استخدام شدم، متوجه شدم چگونه می‌توانم در بازار سهام سرمایه گذاری کنم. الان اگر کسی در فامیل بخواهد... سرمایه‌گذاری کند، حتماً از من نظر می‌خواهد." دختر دیگری می‌گوید: "درمحل کارم این فرصت را داشتم که... در کنار کار اداری، با برادرانم در ساخت خانه فعالیت کنم. در این مورد ارتباط با افراد گوناگون، خیلی کمکم کرد." دختر دیگری می‌گوید: "من در یک خانواده سنتی بزرگ شدم فکر می‌کنم... ارتباط با آدم‌های دیگر خیلی در زندگیم تغییر ایجاد کرد." دختر ۴۵ ساله‌ای می‌گوید: "... من بیشتر وقتم را با اینترنت می‌گذرانم و با دنیای بیرون ارتباط دارم."

یافته‌های استخراج شده از پرسشنامه نیز همانند مصاحبه‌ها نمایانگر آن است که اشتغال باعث گسترش روابط اجتماعی و همچنین گسترش ارتباط با دنیای بیرون از خانه شده است. بیشتر دختران از این که اضافه کاری کنند، رضایت دارند. مدت زمان کار روزانه، ۵۲/۲ درصد پاسخگویان بیش از ۸ ساعت در روز است. ۷۴/۵ درصد اعلام نموده‌اند که مایل به اضافه کاری هستند و ۱۰۰ درصد پاسخگویان گفته‌اند که احساسشان در محل کار این است که مفید هستند. حدود ۴۴ درصد گفته‌اند دوست دارند بیشتر وقتشان را با کار پر کنند. این مجموعه اطلاعات، نشانگر آن است که شغل دختران بخش زیادی از زندگی آنان را پر کرده و به آن‌ها احساس رضایت از خود می‌دهد. به عبارت دیگر شغل در ساختن هویت نوین آنان بسیار تاثیرگذار است. حدود ۷۲ درصد از پاسخگویان گفته‌اند که در موقعیت انتخاب میان شغل و ازدواج، شغل خود را انتخاب می‌کنند. حدود ۷۴ درصد از پاسخگویان گفته‌اند که شغل‌شان باعث شده به شیوه‌ای که خودشان دوست دارند، زندگی کنند و بیش از ۹۷ درصد معتقدند بعد از این که مشغول به کار شدند، احساس استقلال کرده‌اند. حدود ۲۸ درصد مجرد را مانعی در پیشرفت سازمانی و کاری خود ندانسته‌اند. اما بیش از ۱۴ درصد مجرد را عاملی دانسته‌اند که باعث شده نتوانند پستی که خود را لایق آن می‌دانستند، بدست آورند.

اشتغال و استقلال

تحصیلات عالی و اشتغال زنان مجرد، موجب کسب استقلال مالی در دختران شده است. استقلال، رضایت از هویت حرفه‌ای دختران را به ارمغان آورده است. دختری ۴۴ ساله که با خانواده زندگی می‌کند، می‌گوید: "از این که شاغلم خیلی راضی هستم. استقلال مالی دارم و همین باعث شده تو خانواده و جامعه قدرت و نفوذ را احساس کنم." دختر ۴۸ ساله‌ای که با مادرش زندگی می‌کند می‌گوید: "استقلال مالی دارم و از

این که می‌توانم پولم رو هر طور که می‌خواهم خرج می‌کنم خوشحالم". دختری ۳۹ ساله و هنرمند، می‌گوید "... خیلی پیش آمده، خواستگارها گفتند با کارت مشکل داریم من قطعاً جوابم رد بود. کارم برام درجه اول اهمیت را دارد." دختری ۳۶ ساله می‌گوید "من به خاطر کار و تحصیل توانستم به همه ثابت کنم که باید به من احترام بگذارند. خواهرهای من که در خانه بودند، چون کار نداشتند مجبور بودند کارهای خانه را انجام بدهند." او بلاشک موقعیت خود را برتر از خواهرانش می‌داند. دختری ۴۸ ساله که خود را پژوهشگر و مترجم معرفی می‌کند، می‌گوید: "تحصیلات به من احساس استقلال و مفید بودن داده است. احساس می‌کنم عمرم را تلف نکرده‌ام..." دختر دیگری درباره شغلش معتقد است استقلال مالی توانست به وی کمک کند که به سمت علایق خود که تحصیلات و پژوهش است، برود. دختری ۴۵ ساله و پزشک می‌گوید: "حرفه‌ام به من استقلال اقتصادی داده است... وقتی از نظر مالی به کسی وابسته نباشی، از نظر اجتماعی هم مستقل می‌شوی."

ازدواج یا حفظ هویت حرفه‌ای

داده‌ها بیانگر آن است که دختران در اثر کسب درآمد و دارایی، قدرت تصمیم‌گیری و حس مفید بودن در خود، هویت جدیدی می‌بینند که در این پژوهش از آن به عنوان هویت حرفه‌ای یاد می‌شود. هویت حرفه‌ای مشخصات جدیدی از قبیل توانایی خرج کردن، مالک بودن و غیره به زنان مجرد داده است. این‌ها نقش‌هایی بود که پیش از این مردان در زندگی زن‌ها ایفا می‌کردند. اما اکنون آنان خود می‌توانند در این باره تصمیم بگیرند. دختر ۴۱ ساله‌ای در پاسخ به این پرسش که اگر حق انتخاب داشتی بین هویت حرفه‌ای خود و شوهر و بچه کدام را انتخاب می‌کردی؟ می‌گوید: "بدون شک هویت حرفه‌ای را. با این که بچه داشتن را خیلی دوست دارم اما ...". دختر دیگری می‌گوید "مادرم همیشه به من می‌گفت، چه کنم چه نکنم؛ اما بعد از این که به این باور رسید که

دخترش دارد یک شرکت را اداره می‌کند ... بالاخره فهمیدند که می‌توانم خودم تصمیم بگیرم. "دختری ۴۵ ساله می‌گوید: "من آدمی نیستم که اجازه بدم که حتی نزدیک‌ترین کسانم در زندگیم دخالت کنند... البته آنها (پدر و مادر) هم به من اعتماد دارند. " دختر ۴۸ ساله و دانشجوی دکترا می‌گوید: "من مخالف ازدواج نیستم اما الان هم وضعم خوب است. تعهد محدودیت می‌آورد. اگر ازدواج کرده بودم شاید نمی‌توانستم تا این اندازه درس بخوانم. جاه طلبی من در درس خواندن است. " دختر دیگری می‌گوید " من توانستم این باور را در خانواده ام ایجاد کنم که یک دختر هم مثل مرد می‌تواند کار کند و پول در بیاورد و دیگران نباید برای او تصمیم بگیرند... " دختر ۴۴ ساله می‌گوید " کار من بخش مهمی از زندگی من است. دوست ندارم خانه نشین باشم... "

ممکن است هویتی که دختران شاغل و تحصیل کرده، در درون خود احساس می‌کنند با هویتی که خانواده به عنوان دختر خانه برای آنها قائل است تفاوت داشته باشد، اما قدرت و استقلال مالی دختران را به سمتی می‌برد که پدر و مادر نیز بخصوص با توجه به کهولت سن، قدرت دختر را بیشتر باور کرده و به باورهای درونی دختر نزدیک می‌شوند. کم کم هویت بیرونی دختر نیز در معرض دید خانواده قرار می‌گیرد. بدین ترتیب هویت حرفه‌ای این دختران عرصه تصمیم‌گیری در زندگی آنان را گسترش داده است. جایگاه و موقعیت بدست آمده برای دختران، الزاما با شرایط تعریف شده سنتی، همسان نیست. آشفتگی هویتی زمانی به وجود می‌آید که فرد هویتی که خود را با آن تعریف می‌کند، هویتی نیست که جامعه تعریف می‌کند. اگر چه به نظر می‌رسد با پیرتر شدن پدر و مادر پذیرش در درون خانواده افزایش می‌یابد، اما انتظار جامعه از آنان داشتن همسر و فرزند است و آنها هر روز با این انتظار مواجه می‌شوند.

جدول ۴- جدول تقاطعی میان ازدواج به مثابه سرنوشت سنتی زن و احساس رضایت از شغل

جمع	کاملاً مخالف	مخالف	موافق	کاملاً موافق	ازدواج سرنوشت زن سنتیاست
					شغلم باعث شده به شیوه‌ای که دوست دارم زندگی کنم
۳۲	۱	۲	۱۰	۱۹	کاملاً موافق
۵۱	۰	۱	۲۸	۲۲	موافق
۲۸	۲	۵	۱۰	۱۱	مخالف
۴	۱	۱	۰	۲	کاملاً مخالف
۱۱۵	۴	۹	۴۸	۵۴	جمع

شدت رابطه	معناداری	Df	مقدار خی دو
۰.۲۲۸	۰.۰۰۹	۹	۲۲.۰۸۶

مقدار معناداری بدست آمده نشان می‌دهد که دختران شاغل معمولاً براین باور نیستند که ازدواج امری حتمی در زندگی زن است. اما داده‌ها همچنین نشان می‌دهد که با وجود رضایت از هویت حرفه‌ای، هویت سنتی دختران نیز آنان را به چالش می‌کشد. در این پژوهش شاخص هویت حرفه‌ای با جمع چهار گویه شغل، درآمد، تحصیلات، و تمایل به استقلال طلبی ساخته شده است. وزن چهار شاخص برابر تلقی شده است. بدین ترتیب بیشینه^۱ امتیاز هویت حرفه‌ای برای هر فرد ۱۶ و کمینه^۲ آن ۴ است. با

۱- حداکثر

۲- حداقل

توجه به تقسیم بندی امتیازها، پاسخگویان به سه گروه تقسیم شدند. گروه اول هویت حرفه‌ای قوی، گروه دوم هویت حرفه‌ای متوسط و گروه سوم هویت حرفه‌ای ضعیف دارند. شاخص هویت با تمام گویه‌هایی که درباره رفتار جنسیتی زنان به پرسش گرفته شده بود، آزمون شد. نکته جالب آن است که میان هیچ یک از متغیرها و شاخص هویت حرفه‌ای همبستگی دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر تفاوت چندانی میان عقیده دخترانی که دارای هویت حرفه‌ای ضعیف یا قوی بودند، دیده نمی‌شد.

جدول ۵- توزیع فراوانی برحسب هویت حرفه‌ای

گروه	متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
۱	هویت حرفه‌ای قوی	۳۰	۲۵/۴۲
۲	هویت حرفه‌ای متوسط	۴۳	۳۶/۴۴
۳	هویت حرفه‌ای ضعیف	۴۵	۳۸/۱۴
	جمع	۱۱۸	۱۰۰

داده‌ها نشانگر آن است که بین هویت حرفه‌ای و نیاز به تکیه بر مردان رابطه معنی‌داری دیده نمی‌شود. یعنی با افزایش شدت هویت حرفه‌ای تغییری در احساس نیاز به تکیه بر مردان ایجاد نشده است. حتی یک پاسخگو نیز با گزینه "ازدواج باعث می‌شود که مردی را به عنوان تکیه گاه داشته باشی" کاملاً مخالف نبود. داده‌های پرسشنامه‌ها حاکی از آن بود که با وجود هویت حرفه‌ای کسب شده و رضایت دختران مورد مطالعه از مواهب آن، باز هم هویت جنسیتی سنتی با قدرت برای دختران مطرح است. آنان کماکان به دنبال تکیه گاه مردانه هستند. مصاحبه‌ها نیز این امر را تایید می‌کند. دختری می‌گوید "وقتی مادرم فوت کرد، می‌دیدم که شوهرخواهرم چگونه از خواهرم مراقبت می‌کند، در آنجا بود که حس کردم چقدر نیاز به تکیه گاه دارم..." این

بدان معنی است که در هویت‌های حرفه‌ای ضعیف یا قوی کماکان دختران مایل به حفظ و توجه به هویت جنسیتی خود هستند.

جدول ۶- جدول تقاطی میان هویت حرفه‌ای و احساس امنیت ناشی از ازدواج

جمع	هویت حرفه‌ای متوسط	هویت حرفه‌ای ضعیف	هویت حرفه‌ای قوی	شدت هویت حرفه‌ای
				ازدواج حس امنیت می‌دهد
۱۲	۲	۲	۸	کاملاً موافق
۷۹	۳۴	۲۹	۱۶	موافق
۲۵	۷	۱۰	۸	مخالف
۱۱۶	۱	۱	۱	کاملاً مخالف

داده‌های جدول ۶ نیز رابطه معنی‌داری بین دو مفهوم هویت حرفه‌ای و حس امنیت ناشی از ازدواج در بین پاسخگویان را نشان نمی‌دهد. این امر بدان معنی است که هر سه تیپ هویت حرفه‌ای رفتار یکسانی در این باره دارند. داده‌ها نشان می‌دهد که در هر سه گروه دختران، تعدادی که احساس می‌کردند که ازدواج به آن‌ها امنیت می‌دهد، تقریباً مشابه است و تفاوت معنی‌داری را به نمایش نمی‌گذارد. این داده‌ها حاکی از آن است که در شرایط متفاوت با دنیای غرب، دختر ایرانی هنوز در درون خود نمی‌تواند فقط به هویت حرفه‌ای راضی باشد. بدان معنی که با وجود اهمیت محوری هویت حرفه‌ای در زندگی آن‌ها، کماکان به ازدواج و زندگی در کنار همسر به عنوان امری حیاتی می‌نگرند. کسب ارج و احترام بیشتر در نزد فامیل نیز در بیشتر مصاحبه‌ها مطرح می‌شد. در مصاحبه‌ها بارها گفته شد "ازدواج و داشتن شوهر و بچه باعث می‌شود در فامیل ارج بیشتری داشته باشی. می‌توانی برای والدینت وقت نگذاری چون گرفتار شوهرداری و بچه داری هستی. می‌توانی در مسایل خانوادگی اظهارنظر کنی چون

تجربه داری و می‌توانی با هر کسی دوست شوی چون شوهرت بالای سرت است. " در داده‌های کمی نیز تفاوت معنی‌داری بین زنان با سطوح قوی یا ضعیف هویت حرفه‌ای و این احساس که ازدواج موجب ارج بیشتر آن‌ها در فامیل می‌شود، دیده نشده است. این همه نشانگر نقش تعیین کننده جامعه بر فرآیند شکل گیری هویت در نزد دختران تحصیلکرده و شاغل است. از دیگر مواردی که مورد پرسش قرار گرفت "بودن با مرد دلخواه بدون ازدواج" بود. بیش از نیمی از پاسخگویان مایل به داشتن این چنین رابطه‌ای نبودند. در این باره اثر انتظارات اجتماعی از نقش، بسیار است. داده‌ها همچنین نشان می‌دهد که با افزایش سن نیز شرایط برای دختران تغییر نمی‌کند و بازهم تمایل آنان به ازدواج به مثابه یک عنصر کلیدی در هویت جنسیتی آنان، پا بر جا می‌ماند. با همبستگی گرفتن میان گویه‌ای که درباره احساسات زنانه و سن بود نیز به نتایج مشابه رسیدیم. یافته‌های حاصل از پرسشنامه نشان می‌دهد دخترانی که در سن ۴۵ تا ۴۹ سال هستند نیز مشابه دختران گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال می‌اندیشند و تفاوت چندانی در احساس این که ازدواج از فشارهای اجتماعی می‌کاهد، ندارند. فراوانی‌ها به هم بسیار نزدیک است. داده‌های کیفی نیز درباره فشار اجتماعی ناشی از مجرد نتایج مشابهی را نشان می‌دهد. خانم ۴۹ ساله‌ای می‌گوید: "با بالاتر رفتن سنم بیشتر سعی در پنهان کردن تجردم می‌کنم، چون مردم وقتی زنی در سن مرا می‌بینند فکر می‌کنند اگر تا حالا ازدواج نکردم حتماً عیب و ایرادی در کارم بوده است."

نتیجه‌گیری

این پژوهش با استفاده از روش ترکیبی و روی زنان حرفه‌ای مجرد بالاتر از ۳۵ سال انجام شد. نتایج حاصل از آن نشان داد که زن مجرد نگرشی مثبت به زندگی مستقل دارد. در واقع آنان مفهوم زندگی مستقل را از خلال زندگی حرفه‌ای خود آموخته‌اند. اما در عین حال تمایلی جدی برای تداوم زندگی سنتی زن ایرانی که برپایه ازدواج و

زندگی با مرد (شوهر) است، در آنان دیده می‌شود. همچنین، نتایج پژوهش حاکی از آن بود که بر هویت دختر مجرد، عواملی مانند هدف او در پیگیری علائقش و نیاز به ایجاد تعادل میان منافع ناشی از هویت حرفه‌ای و هویت جنسیتی تاثیر دارند. در نگاه به هویت چندگانه دختران تحصیل کرده، شاغل، مجرد و بالاتر از ۳۵ سال نوعی آشفتگی هویتی دیده می‌شود. زیرا آنان به طور هم زمان مایلند که هویت جنسیتی را در کنار هویت حرفه‌ای حفظ کنند. گاه این دو عنصر غیرقابل جمع هستند زیرا آنان مایل به ازدواج با مردی با ویژگی‌های برتر هستند. ازدواج با مرد جوانتری که از نظر مالی و شغلی در موقعیت فرودستی قرار دارد، برایشان رضایت بخش نیست. پاسخگویی به انتظارات اجتماعی از دلایل اصلی برای این تمایل است. بدین ترتیب با وجود آن که هویت حرفه‌ای امکان استقلال و یا در دست گرفتن موقعیت فرادست را در داخل خانواده برای آنان فراهم می‌کند، اما فشار اجتماعی موجب می‌شود تا این دختران کماکان به مثابه دختر خانه، در خانواده پدری باقی بمانند. از سوی دیگر آن‌ها برای کسب اعتبار اجتماعی و تامین امنیت اجتماعی از طریق ازدواج و به عبارت دیگر برای کسب عناصر هویت جنسیتی، حاضر به فدا کردن هویت حرفه‌ای خود نیستند. از این رو می‌توان گفت که چالش هویت حرفه‌ای و هویت سنتی در بین زنان شاغل تحصیل کرده مجرد، حل نشده باقی مانده است. این در حالی است که مطالعات انجام شده در کشورهای در حال توسعه معمولاً نشانگر ظهور این چالش و نیز بروز تغییراتی در این زمینه است. لازم به ذکر است که بخش کیفی این پژوهش ظهور گرایش‌های جدیدی را در نزد این زنان در ایران نیز نشان داده است؛ اما داده‌های بخش کمی حکایت از آن دارد که هنوز این گرایش‌ها موجب ایجاد روندهای معنی‌دار اجتماعی در این باره نشده‌اند.

منابع

- آستین فشان، پروانه. (۱۳۸۱)، مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، بررسی روند تحولات سن ازدواج زنان و عوامل جمعیتی و اجتماعی موثر بر آن طی سال‌های ۱۳۵۵-۷۵.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۵)، مجموعه مقالات فمینیسم و دیدگاه‌ها (چاپ دوم)، تهران: انجمن جامعه‌شناسان ایران (گروه مطالعات زنان).
- آقا، هما. (۱۳۸۳)، مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی، "بررسی تحولات سن ازدواج و توازن نسبت‌های جنسی در سنین ازدواج در ایران".
- برنارد، جسی. (۱۳۸۴)، *دنیای زنان*، شهرزاد ذوفن، تهران: نشر اختران.
- پاک‌نیا، محبوبه؛ مردی‌ها، مرتضی. (۱۳۸۸)، *سیطره جنس*، تهران: نشر نی.
- آبوت، پاملا؛ والاس، کلر. (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی زنان*، منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱)، *هویت اجتماعی*، ترجمه: تورج احمدی، تهران: انتشارات شیرازه.
- جواهری، فاطمه؛ سراج‌زاده، سیدحسین؛ رحمانی، ریثا. (۱۳۸۹)، *زن در توسعه و سیاست*، تحلیل اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان: مطالعه موردی: زنان شاغل در وزارت جهاد کشاورزی، دوره ۸ شماره ۲.
- جوادی‌آملی (آیت‌الله)، عبدالله. (۱۳۷۸)، *زن در آینه جلال و جمال*، قم: مرکز نشر اسراء.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۸۱)، *ضعیفه*، تهران: چاپ غزال، چاپ دوم.
- حاتمی‌کاکش، فرزین. "بررسی تاثیر ساختاری خانواده گسترده، هسته‌ای بر هویت اجتماعی" *سایت انجمن جامعه‌شناسان*.

- حقیقی شاهرخ. (۱۳۷۹)، گذار از مدرنیته (نیچه - فوکو - لیوتار - دریدا) انتشارات آگه.
- دیووار، سیمون. (۱۳۷۹)، جنس دوم، ترجمه: قاسم صنعوی، تهران: توس، چاپ دوم.
- راوودراد، اعظم؛ منتظر قائم، مهدی؛ سرکاراتی، پریسا. (۱۳۸۷)، "تفسیر زنان از بازنمایی هویت زنانه در تلویزیون"، فصلنامه پژوهش‌های فرهنگی، سال اول، شماره ۲.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۷)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی، چاپ سیزدهم.
- ژاک روسو، ژان. (۱۳۷۹)، قرارداد اجتماعی، ترجمه: دکتر مرتضی کلانتریان، تهران: انتشارات آگه.
- ژنویو لوید. (۱۳۸۰)، عقل مذکر، ترجمه: محبوبه مهاجر، تهران: نشر نی.
- سرایی، حسن؛ سهامی، سوسن. (۱۳۸۹)، مقاله "بررسی تاثیر شغل بر ارزش‌های معطوف به توسعه زنان": مطالعه موردی زنان شهر شیراز، فصلنامه زن و جامعه، سال اول شماره سوم.
- شرابی، هشام. (۱۳۸۰)، پدر سالاری جدید، ترجمه: سیداحمد موثقی، تهران: انتشارات کویر، چاپ اول.
- شیخی، غفور. "۵ پرسش پیرامون بحران هویت جمعی در ایران" وبلاگ بررسی علوم اجتماعی و مباحث پژوهشگری.
- صادقی فسائی، سهیلا؛ رجب لاریجانی، مهسا. (۱۳۸۹) مقاله "مطالعه جامعه‌شناختی آزار جنسی زنان در محیط کار" زن در توسعه و سیاست، دوره ۸ شماره ۳.

- علی توانا، مراد. (۱۳۸۰)، زن در تاریخ معاصر، تهران: انتشارات کویر.
- علیرضا نژاد، سهیلا. (۱۳۸۳)، رساله دکتری "تغییر شبکه روابط اجتماعی زنان شهری در عرصه عمومی"، پایان نامه منتشر نشده دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
- علیرضا نژاد، سهیلا؛ سرایی، حسن. (۱۳۸۶)، "گستره شبکه روابط اجتماعی زنان شهری و تاثیر تحصیلات دانشگاهی و اشتغال بر آن" پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳.
- فروتنی، عقوب. (۱۳۸۹)، مقاله "جامعه جنسیتی در کتاب‌های درسی مدارس ایران"، زن در توسعه و سیاست، دوره ۸ شماره ۳.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۸)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- کیوی، ریمون؛ کامپن، هود. (۱۳۸۸). روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: دکتر عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر توتیا.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۹)، جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۷۸)، پایگاه تخصصی مجلات نور.
- مرنیسی، فاطمه. (۱۳۸۰)، زنان پرده نشین و نخبگان جوشن پوش، ترجمه: ملیحه مغازه‌ای، (برداشتی از حقوق زن در اسلام)، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- منجم، رویا. (۱۳۸۱)، زن مادر، نشر مس.
- نرسیسیانس، امیلیا. (۱۳۸۳)، مردم شناسی جنسیت، انتشار: تهران: افکار سازمان میراث فرهنگی.

- Linda Berg – Cross. (2007). **Single Professional Women: a Global Phenomenon challenges and opportunities**

- Mary Ann Maslak. (2000). **Gender and Education The Identity of Educated Women in India**. (StJohnuniver city Jamaaica USA)
- Sundal Fatma. (2004). **Invisible women visible Islam**: Engendering everyday Lives of Educated Islamist women in Turkey
- VinathaSharma Brymer. (2007). **Being an Educated Woman**: A Phenomenological exploration (university of Wollongong)

Archive of SID